



A Study on the Role of Faith-Based Organizations (FBOs) in Rural Development

The Case of the Muslimi Group in Ahangaran Village, Arak

Sajede Moghadami¹ | Moosa Anbari² | Younes Nourbakhsh³

1. Department of Social Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail:

sajede.moghadami@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department Social Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: anbari@ut.ac.ir

3. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: ynourbakhsh@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 12 October 2024

Received in revised form: 25 April 2025

Accepted: 29 May 2025

Published online: 06 July 2025

Keywords:

Faith-Based Organizations (FBOs), Local Society, Poverty Alleviation, Rural Development, Sustainable Development.

ABSTRACT

Faith-Based Organizations (FBOs) have emerged as key players in social and economic development, playing an increasing role in improving the living conditions of local communities. In Iran, these groups were established after the Islamic Revolution with the aim of alleviating poverty. However, their impact on rural development remains relatively understudied.

This study examines the role of faith-based organizations, particularly the Shahid Moslemi Group, in rural development through a qualitative approach and using content analysis. Data was obtained through semi-structured interviews with 10 members of the Moslemi group, 30 residents of Ahangaran village and 8 experts in the field of FBOs.

The findings indicate that the process of faith-driven development in Iran fluctuates among three relatively contrasting perspectives: the local population, the groups operating in the field, and experts in faith-driven development. The target community primarily perceives development in terms of receiving services with minimal participation. However, the group under study has predominantly focused on poverty alleviation, defining its development efforts mainly as providing charitable aid and basic infrastructure services. Yet, experts in the field argue that sustainable development occurs when these groups shift from charity-based and emergency assistance models to development-oriented approaches especially employment creation, entrepreneurship, and social capital enhancement.

In order to achieve long-term impact, such groups must transition from short-term relief efforts to models that emphasize local participation, empowerment, and sustainable livelihoods. Without this strategic shift, there is a risk of perpetuating rural dependency and diminishing the overall effectiveness of initiatives on a broader scale. Furthermore, the study highlights the need for stronger collaboration between faith-driven organizations, governmental agencies, and local stakeholders to create more integrated and sustainable rural development strategies. Addressing challenges such as financial sustainability, capacity building, and community engagement is essential for maximizing the long-term effectiveness of these organizations in fostering meaningful social and economic change.

Cite this article: Moghadam; S.; Anbari, M & Nourbakhsh, Y. (2025). A Study on the Role of Faith-Based Organizations (FBOs) in Rural Development; The Case of the Muslimi Group in Ahangaran Village, Arak. *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (1):27-43. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391932.668912>



Authors retain the copyright and full publishing rights. Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391932.668912>

مطالعه نقش سازمان‌های ایمان‌محور (سام) در توسعه روستایی مورد مطالعه: گروه جهادی شهید مسلمی در روستای آهنگران اراک

ساجده مقدمی^۱ | موسی عنبری^۲ | یونس نوربخش^۳

۱. گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sajede.moghadami@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: anbari@ut.ac.ir

۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ynourbakhsh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۴/۱۵ کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، جامعه محلی، سازمان ایمان‌محور (سام)، گروه جهادی شهید مسلمی، محرومیت‌زدایی.	سازمان‌های ایمان‌محور به‌عنوان یکی از بازیگران مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی، در سال‌های اخیر نقش فزاینده‌ای در بهبود شرایط جوامع محلی داشته‌اند. در ایران، گروه‌های جهادی پس از انقلاب اسلامی با هدف محرومیت‌زدایی شکل گرفته‌اند، اما نحوه اثرگذاری آن‌ها بر توسعه روستایی کمتر مطالعه شده است. این پژوهش با هدف بررسی نقش سازمان‌های ایمان‌محور، به‌ویژه گروه جهادی شهید مسلمی، در توسعه روستایی با رویکرد کیفی و با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون انجام گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اعضای گروه جهادی (۱۰ نفر)، مردم روستای آهنگران (۳۰ نفر) و نخبگان حوزه جهادی (۸ نفر) گردآوری و تحلیل مضمون شدند. یافته‌ها بیانگر آن است که فرایند توسعه جهادی در ایران، در میان سه نگاه نسبتاً متناقض مردم، گروه‌های جهادی در میدان و نخبگان توسعه جهادی در نوسان است. جامعه هدف توسعه را بیشتر در چارچوب دریافت خدمات و مشارکت حداقلی در آن می‌بیند. گروه جهادی مورد مطالعه نیز با تمرکز بر امر محرومیت‌زدایی، اقدام توسعه‌ای خود را صرفاً ارائه کمک‌های خیریه‌ای و خدمات زیرساختی تعریف کرده است. در این میان، نخبگان حوزه جهادی تأکید دارند که توسعه واقعی، زمانی اتفاق می‌افتد که گروه‌های جهادی از مدل خیریه‌ای و کمک‌رسانی اضطراری به مدل‌های توسعه‌ای مبتنی بر اشتغال‌زایی، کارآفرینی و سرمایه اجتماعی گذر کنند. راه پیش‌روی گروه‌های جهادی، نه در استمرار مدل‌های کوتاه‌مدت امدادی-خدماتی، بلکه در تغییر مدل‌های توسعه‌ای براساس مشارکت محلی، توانمندسازی و معیشت پایدار نهفته است. اگر این تغییر سیاستی صورت نگیرد، نتیجه آن بازتولید چرخه وابستگی روستاییان و بی‌اثر شدن تدریجی تلاش‌های جهادی در مقیاس کلان خواهد بود.

استناد: مقدمی، ساجده؛ عنبری، موسی و نوربخش، یونس (۱۴۰۴). مطالعه نقش سازمان‌های ایمان‌محور (سام) در توسعه روستایی؛ مورد مطالعه گروه جهادی شهید مسلمی در روستای آهنگران اراک. توسعه محلی (روستایی-شهری). ۱۷ (۱): ۳۷-۴۳. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391932.668912>



نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391932.668912>

۱. مقدمه و طرح مسئله

توسعه پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان هدف کلان سیاست‌گذاری بسیاری از کشورهای جهان مطرح شد، اما تجربه چندین دهه برنامه‌های توسعه‌ای نشان داد این فرایند همواره به نتایج مطلوب منجر نشده است. در دهه ۱۹۸۰، بحران راهبردها و برنامه‌های توسعه به تردید در کارایی رویکردهای سنتی از جمله نظریه نوسازی و وابستگی منجر شد؛ زیرا این نظریات عمدتاً مبتنی بر تجربه کشورهای توسعه‌یافته بود و نمی‌توانست واقعیت‌های جوامع درحال توسعه را به‌درستی تبیین کند. نقدهای وارد بر این نظریه‌ها، ضرورت بازنگری در مفهوم توسعه را برجسته ساخت و به پذیرش معیارهای جدیدی مانند عدالت اجتماعی، برابری جنسیتی و پایداری زیست‌محیطی منجر شد. در راستای این تغییرات می‌توان به نظریه‌پردازانی مانند آمارتیاسن و محبوب‌الحق اشاره کرد که بر معیارهای انسانی و توانمندسازی جوامع تأکید کردند (سن، ۱۴۰۲).

توسعه تا مدت‌ها فرایندی عرفی و مادی‌انگار در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی تلقی می‌شد، اما به‌مرور زمان ظهور دوباره دین در عرصه عمومی این فرضیه را به چالش کشید. برخلاف نظریه عرفی‌شدن که حذف تدریجی دین از معادلات توسعه‌ای را پیش‌بینی می‌کرد، تحقیقات جدید نشان می‌دهد دین همچنان به‌مثابه نیروی محرکه‌ای مؤثر در سیاست‌های توسعه‌ای عمل می‌کند (کورسن و بوچارت، ۲۰۲۴). این تغییر نگرش به افزایش مطالعات بین‌رشته‌ای درباره نقش دین در حوزه‌های مختلف اجتماعی و توسعه‌ای انجامید.

یکی از انتقادات وارد بر مدل‌های سنتی توسعه، تمرکز بیش‌ازحد بر سیاست‌گذاری از بالا به پایین و نادیده‌گرفتن نقش مردم در فرایند توسعه است. دولت‌ها در کشورهای مختلف به دلایلی مانند ناکارآمدی، تمرکزگرایی و فساد نتوانسته‌اند به‌تنهایی فرایند توسعه را پیش ببرند. این امر سبب شد توجه بیشتری به نقش بخش غیردولتی و مردمی در فرایند توسعه معطوف شود (مارشال و ون‌سانن، ۲۰۰۷). در این میان، سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای خیریه، به‌ویژه سازمان‌های ایمان‌محور به‌عنوان بازیگران تأثیرگذار توسعه معرفی شدند. این سازمان‌ها براساس ارزش‌های دینی و اخلاقی، قادر به بسیج منابع، جلب مشارکت اجتماعی و ارائه خدمات ضروری، به‌ویژه در مناطق روستایی هستند.

از ابتدای قرن ۲۱، با گسترش جهانی‌شدن، سازمان‌های ایمان‌محور^۱ به‌عنوان عوامل مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی شناخته شدند (هینز، ۲۰۱۴: ۳۰-۳۶). این سازمان‌ها به‌دلیل نفوذ فرهنگی، مشروعیت اجتماعی و انگیزه‌های فرامادی، نقش مهمی در فرایند توسعه ایفا کرده‌اند. اما در دوران نئولیبرالیسم و کاهش نقش دولت در رفاه اجتماعی، فعالیت این سازمان‌ها تغییرات مهمی یافته است (بومونت، ۲۰۰۸؛ هاکورث، ۲۰۱۲). برخی مطالعات نشان می‌دهد این سازمان‌ها نه‌تنها به کاهش فقر و نابرابری کمک کرده‌اند، بلکه موجب تقویت شبکه‌های حمایتی، سرمایه اجتماعی و انسجام محلی نیز شده‌اند (برگر، ۲۰۰۳؛ هفران، ۲۰۰۹). رابطه این سازمان‌ها با سیاست‌های نئولیبرالی دوسویه بوده است؛ از یک سو، نهادهای ایمان‌محور نقش جبران‌کننده کاهش نقش دولت‌های رفاه را برعهده گرفته‌اند و از سوی دیگر، با جایگزینی خدمات دولتی، ناخواسته مشروعیت سیاست‌های نئولیبرالی را تقویت کرده‌اند (کلوک، ۲۰۱۰؛ پوسامی، ۲۰۱۸: ۳۵-۴۵). در دوران پساکولاریسم، برخلاف پیش‌بینی‌های سکولاریسم کلاسیک، سازمان‌های ایمان‌محور همچنان در فرایندهای توسعه‌ای ایفای نقش می‌کنند و بستری برای پیوند عدالت اجتماعی، رفع فقر و ارائه مدل‌های توسعه مبتنی بر معنویت محسوب می‌شوند (دنولتن و راکودی، ۲۰۱۱؛ کلارک و جنینگز، ۲۰۰۸: ۸۹-۱۰۹).

1. Faith based organizations (FBOs)

در ایران، سازمان‌های ایمان‌محور پس از انقلاب اسلامی نقشی مهم در محرومیت‌زدایی ایفا کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین انواع این سازمان‌ها، گروه‌های جهادی هستند که با هدف محرومیت‌زدایی، بهبود زیرساخت‌ها و رفع مشکلات جوامع روستایی فعالیت می‌کنند. پس از انقلاب، نهادهای مختلفی تحت عنوان جهاد سازندگی برای بهبود وضعیت مناطق محروم شکل گرفتند که امروزه گروه‌های جهادی ادامه‌دهنده مسیر آن‌ها محسوب می‌شوند. اکنون به گفته مسئول سازمان بسیج سازندگی، بیش از ۶۲ هزار گروه جهادی در ایران فعال هستند که تنها در سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۹ هزار پروژه عام‌المنفعه و محرومیت‌زدایی را اجرا کرده‌اند. این پروژه‌ها شامل تأمین آب روستایی، احداث مسکن، جاده‌سازی و ارائه خدمات پزشکی می‌شود (قلندری اسفدن، ۱۴۰۳). با این حال، اطلاعات دقیقی درباره نحوه عملکرد این گروه‌ها و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در بلندمدت وجود ندارد.

در ایران، درمورد آثار توسعه‌ای سازمان‌های ایمان‌محور کمتر تحقیق شده است. این سازمان‌ها از لحاظ ساختار، انگیزه‌های ایدئولوژیک و وابستگی نهادی با مدل‌های رایج سازمان‌های ایمان‌محور در سایر کشورها متفاوت‌اند. علاوه بر این، توسعه در ایران به دلیل پیوند میان دین و سیاست و نیز تعامل پیچیده میان دولت و نهادهای دینی، مسیر متفاوتی را طی کرده است. گروه‌های جهادی در ایران از یک سو خود را سازمان‌هایی مستقل معرفی می‌کنند، اما از سوی دیگر، به دلیل حمایت از سوی نهادهای دولتی و حاکمیتی، هویتی دوگانه دارند. این تمایز ساختاری در جامعه ایرانی سبب شده ارتباط میان توسعه و دین در ایران به شکلی ویژه بازتعریف شود. حضور سازمان‌های ایمان‌محور در ایران هم‌زمان دوگانه‌ای از تمرکز نهادی و استقلال نهادی را منعکس می‌کند که با مدل‌های کلاسیک جامعه مدنی تفاوت دارد. از سوی دیگر، تداوم ایدئولوژی رسمی و نظام‌مند را در فرایند توسعه منعکس می‌کند (هینز، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۷۴).

با توجه به اهمیت روزافزون سازمان‌های ایمان‌محور در توسعه روستایی ایران، به‌ویژه از طریق گروه‌های جهادی، این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی نقش این گروه‌ها در فرایند توسعه محلی می‌پردازد. مطالعه موردی این پژوهش، گروه جهادی شهید مسلمی در روستای آهنگران اراک است؛ گروهی که عمدتاً توسط نیروهای متخصص فنی و صنعتی اداره می‌شود و در حوزه‌هایی مانند بازسازی منازل سیل‌زده و بهبود زیرساخت‌های روستایی فعالیت دارد. هدف اصلی این پژوهش، شناخت تأثیر این گروه‌ها بر توسعه روستایی، تحلیل ضعف‌ها و قوت‌های آن‌ها و بررسی امکان‌پذیری حرکت از رویکرد امدادی به توسعه پایدار است. با توجه به اینکه تاکنون مطالعات جامعی درباره سازوکار تأثیرگذاری گروه‌های جهادی بر توسعه محلی در سطح دانشگاهی با در نظر گرفتن همه ذی‌نفعان این حوزه (مردم، گروه‌های جهادی و نخبگان حوزه جهادی) انجام نشده است، این پژوهش نقش گروه‌های جهادی را در توسعه روستایی تشریح می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

سازمان‌های ایمان‌محور در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از بازیگران مهم در توسعه جوامع محلی، به‌ویژه در مناطق روستایی، بیش از پیش مطالعه شده‌اند. کوهرسن و بورچاردت^۱ (۲۰۲۴) در مقاله «دین و توسعه: چشم‌اندازهای جایگزین، اعتبار و شبکه‌ها به‌عنوان دارایی‌های دینی برای توسعه پایدار» به نقش سازمان‌های دینی در توسعه بین‌المللی پرداختند و سه ویژگی مهم آن‌ها را بررسی کردند: ۱. اعتبار آن‌ها در میان جوامع محلی؛ ۲. توانایی‌شان در کنترل شبکه‌های اجتماعی گسترده؛ و ۳. ارائه نگرش‌های جایگزین به توسعه. با مطالعه دو حوزه بهداشت و پایداری محیط‌زیستی، نویسندگان نشان می‌دهند تأثیر سازمان‌های دینی بر توسعه همیشه مثبت

و مستقیم نیست، بلکه گاهی این سازمان‌ها اقداماتی انجام می‌دهند که با اهداف توسعه پایدار^۱ در تضاد است. علاوه بر این، فشارهای نهادی از سوی نهادهای بین‌المللی موجب می‌شود سازمان‌های دینی بیش از پیش به مدل‌های عرفی نزدیک شوند. در نهایت، مقاله پیشنهاد می‌کند که برای درک بهتر نقش دین در توسعه، باید چارچوب‌های تحلیلی جدیدی در نظر گرفته شود که صرفاً بر دوگانه عرفی و غیرعرفی متمرکز نباشند.

تارپه و هوستد^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای کیفی با عنوان «چگونه سازمان‌های مبتنی بر ایمان نقش خود را در توسعه جامعه درک می‌کنند» به بررسی نقش سازمان‌های ایمان‌محور مسیحی در ایالت کنتاکی پرداختند. این مطالعه نشان داد بسیاری از این سازمان‌ها بدون درک صریح از چارچوب‌های نظری، مفاهیمی مانند همبستگی و توانمندسازی آن‌ها را در فعالیت‌های خود به کار می‌گیرند. همچنین این پژوهش از چارچوب اجتماعات محلی^۳ شامل سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی، انسانی، اجتماعی، سیاسی، مالی و فیزیکی برای تحلیل اقدامات آنان بهره برده است. علاوه بر این، نویسندگان پیشنهاد می‌کنند در توسعه جامعه، سرمایه‌های معنوی و رهایی‌بخش نیز باید مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، آن‌ها بر اهمیت افزایش آگاهی این سازمان‌ها از چارچوب‌های توسعه و همکاری با دولت و سازمان‌های غیردولتی برای اثربخشی بیشتر تأکید کرده‌اند.

یافته‌های آبه و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «عوامل تعیین‌کننده مشارکت سازمان‌های مذهبی در توسعه جامعه روستایی: شواهدی از ایالت کراس ریو» نشان داد سازمان‌های ایمان‌محور نقش مهمی در توسعه روستایی ایفا می‌کنند و خدماتی مانند تأمین غذا و پوشاک، توانمندسازی اقتصادی، خدمات بهداشتی، آموزشی، زیرساخت‌های فیزیکی و امکانات اجتماعی را ارائه می‌دهند. این مطالعه عواملی نظیر اندازه سازمان، ظرفیت مالی، نیازهای اجتماعی مردم، توزیع رهبری، آموزه‌ها و باورهای دینی و شغل اعضا را به عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بر مشارکت سازمان‌های ایمان‌محور در توسعه معرفی می‌کند. برای تقویت نقش این سازمان‌ها، مطالعه بر حمایت بیشتر دولت، مشارکت جوامع محلی و همکاری با دیگر سازمان‌های جامعه‌محور^۴ تأکید دارد. این یافته‌ها بر اهمیت نقش سازمان‌های ایمان‌محور در حل چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی تأکید می‌کنند. در مطالعه چودهری و همکاران (۲۰۲۰) در بنگلادش مشخص شد سازمان‌های مردم‌نهاد ایمان‌محور نقش بسزایی در ارائه خدمات بشردوستانه غیرتبعیض‌آمیز، اعطای وام‌های بدون بهره و بدون فشار و تقویت حس مالکیت اجتماعی در پروژه‌های توسعه‌ای ایفا می‌کنند. با این حال، این پژوهش چهار چالش اصلی این سازمان‌ها را شناسایی کرده است: ۱. ناپایداری برنامه‌های وام بدون بهره؛ ۲. ضعف در اتکای بر جامعه؛ ۳. نگرانی‌ها درباره تبلیغ مذهبی؛ و ۴. ناکارآمدی در سازوکارهای اجرایی.

به‌طور کلی مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد سازمان‌های ایمان‌محور در کشورهای مختلف توانسته‌اند در ابعاد گوناگون توسعه‌ای تأثیرگذار باشند، اما در ایران، داده‌های علمی مرتبط با این موضوع هنوز به مرحله طرح ایده و نظریه نرسیده است. مطالعات علمی درباره تأثیر آن‌ها اغلب پراکنده و محدود بوده است. پژوهش‌های داخلی صرفاً به بررسی فعالیت‌های جهادی از منظر اجتماع‌محوری و کارکردی پرداخته‌اند.

رحیمی‌نسب و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه «تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی در راستای مقابله با فقر و محرومیت با تأکید بر اجتماع‌محوری و توانمندسازی» تصریح کردند که حوزه حرکت‌های جهادی علی‌رغم ظرفیت‌های بی‌شمار دچار فقر علمی و

1. SDGs

2. Tarpeh, S., & Hustedde, R.

3. Community Capitals Framework (CCF)

4. Community-Based Organizations (CBOs)

پژوهشی است و الگوی جامع و مدونی برای اثرگذاری بیشتر و بهتر ندارد. براین اساس در راستای دستیابی به الگوی مناسب حرکت‌های جهادی بر توانمندسازی اجتماع‌محور در رفع فقر تأکید می‌کند. یافته‌های تحقیق فیروزآبادی و جعفری (۱۳۹۵) مشخص کرد گروه جهادی عباد، فعالیت‌های تبلیغی‌اش را به حوزه احکام و مناسک دینی محدود نکرده است؛ به‌طوری‌که با گسترش فعالیت‌هایش در عرصه‌های اجتماعی و تربیتی و نیز با تعمیق ارتباطات خود با جامعه روستایی، به گروهی مرجع تبدیل شده است. ضمناً از قابلیت‌های گروه برای حل چالش‌های پیش‌روی روستاها می‌توان به اطلاع‌رسانی و ارائه مشاوره به مسئولان محلی، کمک‌رسانی به مردم برای درک دغدغه‌های مشترک اجتماع و حل آن‌ها، هماهنگ‌سازی اجتماع و ایجاد یک گروه اجتماع‌محور مستقل اشاره کرد. در مطالعه «کارکردهای سیاسی و اجتماعی اردوی جهادی» این کارکردها به دو دسته سیاسی و اجتماعی تقسیم شد که دسته سیاسی مشتمل بر چهار کارکرد مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، صدور انقلاب و تقویت بینش و بصیرت دینی و انقلابی است و دسته اجتماعی شامل رسیدگی به محرومان، پرکردن اوقات فراغت و ارائه خدمات عمومی می‌شود (افتخاری و حسین‌زاده، ۱۳۹۵).

مروری بر مطالعات داخلی نشانگر ضرورت انجام پژوهش‌هایی با تمرکز بر نقش گروه‌های جهادی در توسعه روستایی، از منظر مردم و گروه‌های جهادی و اندیشمندان این حوزه است. نبود مطالعات منسجم و نظری در این حوزه سبب شده سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای توسعه‌ای مبتنی بر عملکرد گروه‌های جهادی عمدتاً بر مبنای تجربیات محدود و بدون چارچوب تحلیلی روشن صورت گیرد. در نتیجه این پژوهش تلاشی برای پرکردن این شکاف علمی از طریق مطالعه موردی گروه جهادی شهید مسلمی و بررسی تأثیرات آن‌ها در توسعه روستای آهنگران اراک است.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

دین همواره در شکل‌دهی به جوامع انسانی و سیاست‌های توسعه‌ای نقش داشته، اما رویکردهای مدرن توسعه تا مدت‌ها این نقش را نادیده گرفته‌اند و بر مدل‌های اقتصادی و مادی‌گرایانه تمرکز کرده‌اند. با افزایش نقدها به نظریه‌های عرفی‌شدن و ظهور مجدد دین در عرصه عمومی، محققان به اهمیت رابطه دین و توسعه پی بردند. این تحول نشان می‌دهد توسعه نه تنها یک فرایند اقتصادی و تکنیکی، بلکه پدیده‌ای با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و معنوی است. در این میان، سازمان‌های ایمان‌محور به‌عنوان بازیگران کلیدی در توسعه بین‌المللی ظاهر شده‌اند که علاوه بر ارائه خدمات بشردوستانه و اجتماعی، در سیاست‌های عمومی، عدالت اجتماعی و توانمندسازی جوامع نیز نقش دارند. آن‌ها ترکیبی از کنش دینی و اهداف توسعه‌ای را دنبال می‌کنند. با این حال نگرانی‌هایی درباره امکان بازتولید سلطه فرهنگی و وابستگی اقتصادی از سوی این سازمان‌ها مطرح شده است.

سازمان‌های ایمان‌محور که درون تعامل دین، کنش اجتماعی و مشارکت جمعی شکل می‌گیرند، نهادهایی هستند که فراتر از هدف‌های صرفاً مذهبی، به انجام فعالیت‌های بشردوستانه و اجتماعی می‌پردازند. فعالیت این سازمان‌ها بر این باور استوار است که ارزش‌های دینی می‌توانند به‌عنوان محرکی برای تسهیل تحقق عدالت اجتماعی، کاهش فقر، ارائه خدمات درمانی، آموزش و تقویت انسجام اجتماعی استفاده شوند. این سازمان‌ها در چارچوبی که باورهای مذهبی با ارزش‌های خدمات اجتماعی تلفیق می‌شوند، در محیطی منحصر به فرد که متأثر از میراث فرهنگی و دینی است، فعالیت می‌کنند. آن‌ها به‌عنوان عاملی پویا در ایجاد ارتباط میان حوزه‌های دنیوی و معنوی عمل کرده و شبکه‌ای از همکاری‌های مذهبی، اجتماعی و اجرایی در مقیاس‌های محلی، ملی و بین‌المللی فراهم می‌آورند (هینز، ۲۰۱۴؛ مارشال و ون‌سانن، ۲۰۰۷).

فریس (۲۰۰۵ به نقل از هینز، ۲۰۱۴) تأکید دارد که هیچ توافق جهانی درباره تعریف سازمان‌های ایمان‌محور وجود ندارد، اما برخی از ویژگی‌های کلیدی نظیر وابستگی به نهادهای مذهبی، بیانیه مأموریت با محوریت ارزش‌های دینی، تأمین مالی از منابع مذهبی، ساختار حکومتی با اعضای متکی بر اعتقادات مذهبی و فرایندهای تصمیم‌گیری مبتنی بر ارزش‌های دینی، معیارهای لازم برای شناخت این سازمان‌ها هستند. تحقیقی دیگر نیز نشان می‌دهد ویژگی‌هایی مانند بنیان‌گذاری و هدایت سازمان توسط رهبران مذهبی، استخدام نیروی انسانی از میان افراد باورمند، داشتن منابع مالی مذهبی و اجرای برنامه‌های متأثر از آموزه‌های دینی، از خصوصیات این سازمان‌ها محسوب می‌شود (هفران و همکاران، ۲۰۰۹). به‌طور کلی، سام‌ها (سازمان‌های ایمان‌محور) نهادهایی‌اند که به نیازهای جوامع در ابعاد معنوی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پاسخ می‌دهند و در تغییرات اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

سازمان‌های ایمان‌محور (سام‌ها) و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) هر دو در توسعه اجتماعی ایفای نقش می‌کنند، اما تفاوت‌های کلیدی دارند. کورتن (۱۹۸۷) روند تکاملی مشارکت سمن‌ها را به سه نسل تقسیم می‌کند: نسل اول شامل کمک‌های اضطراری برای ارائه خدمات فوری و امدادی است، نسل دوم به توسعه محلی و خودتکایی از طریق همکاری با جوامع معطوف است و نسل سوم شامل تلاش برای اصلاح سیاست‌های کلان و تغییرات بنیادی سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی می‌شود. برخلاف سمن‌ها که بیشتر در فازهای دوم و سوم فعالیت دارند، سام‌ها از یک‌سو به ساختارهای مشارکتی گرایش دارند و از سوی دیگر، به دنبال حفظ ارزش‌های دینی و سنتی هستند (اوباداره، ۲۰۰۷؛ بوتال، ۲۰۰۵).

نقش اجتماعی سام‌ها موجب می‌شود در مقایسه با سازمان‌های غیرمذهبی، دارای اعتماد عمومی بیشتری باشند و نفوذ فرهنگی عمیق‌تری در جوامع محلی داشته باشند. آن‌ها معمولاً حضور پررنگ‌تری در مناطق روستایی دارند، برخلاف سازمان‌های غیرمذهبی که اغلب شهرمحورند و در چارچوب نهادهای بین‌المللی توسعه‌ای عمل می‌کنند (دیویس و همکاران، ۲۰۱۱). سام‌ها همچنین از حیث فساد مالی، آسیب‌پذیری کمتری دارند؛ زیرا مشروعیت مذهبی آن‌ها مانع انحراف عملکردی‌شان می‌شود. از منظر ارزشی، سمن‌ها غالباً به سیاست‌های جهانی‌سازی و مدرنیزاسیون متکی هستند؛ حال آنکه سام‌ها توسعه اجتماعی را در چارچوب ارزش‌های بومی و دینی جوامع خود می‌بینند (کلارک، ۲۰۰۸).

کلارک (۲۰۰۸) پنج نوع سام را شناسایی کرده است: ۱. نهادهای عالی دینی که بر جوامع مذهبی نظارت دارند و در سیاست‌های کلان نمایندگی گروه‌های دیندار را برعهده دارند؛ ۲. سازمان‌های خیریه که منابع انسانی و مالی را در مسیر محرومیت‌زدایی هدایت می‌کنند؛ ۳. گروه‌های سیاسی-اجتماعی که از دین برای ایجاد بسیج اجتماعی استفاده می‌کنند؛ ۴. سازمان‌های تبلیغی که آموزه‌های دینی را به خارج از جامعه مؤمنان انتقال می‌دهند؛ و ۵. سازمان‌های رادیکال که در برخی موارد، از دین برای توجیه اقدامات خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند. بردلی (۲۰۱۱) نوع دیگری را به این دسته‌بندی می‌افزاید: سازمان‌هایی محلی که بر توانمندسازی فردی مؤمنان و ایجاد اشکال جدیدی از تعامل اجتماعی مبتنی بر ایمان تمرکز دارند.

سام‌ها در عین مشارکت در توسعه، با نقدهایی نیز روبه‌رو هستند. محققان پسااستعماری هشدار داده‌اند که این سازمان‌ها در مواردی به بازتولید سلطه فرهنگی و اقتصادی غرب کمک می‌کنند؛ زیرا فعالیت برخی از آن‌ها موجب اشاعه ارزش‌های خاصی در کشورهای درحال توسعه شده که ممکن است با فرهنگ محلی همخوان نباشد (اسکوبار، ۱۹۹۵؛ سعید، ۱۹۷۸). سه نقد اصلی به سام‌ها به قرار زیرند: ۱. امپریالیسم فرهنگی که در برخی موارد، مأموریت‌های بشردوستانه آن‌ها با اهداف تبلیغاتی دینی ترکیب شده و موجب تغییر فرهنگی در جوامع هدف شده است؛ ۲. وابستگی اقتصادی که کمک‌های خیریه‌ای را جایگزین سرمایه‌گذاری در توانمندسازی جوامع محلی کرده است؛ و ۳. چالش‌های هنجاری یعنی برخی سام‌ها دارای رویکردهای محافظه‌کارانه پیرامون حقوق زنان و سایر مسائل اجتماعی هستند که ممکن است با گفتمان‌های مترقی توسعه تضاد داشته باشد (ضیایی، ۲۰۲۵).

به طور کلی سام‌ها در دو نوع حوزه عقلانیت دینی فعالیت می‌کنند: عقلانیت ارزشی که بر مبنای اصول ایمان و نیکوکاری اجتماعی است و بر اقدامات امدادی موقتی تأکید دارد و عقلانیت هدفمند که دین را در چارچوب کارآمدی توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهد. گروه‌های جهادی ایران تاکنون بیشتر به عقلانیت ارزشی متکی بوده‌اند و کمتر به مدل‌های پایدار معیشتی و اشتغال‌زایی پرداخته‌اند. این در حالی است که سازمان‌های ایمان‌محور تحت چارچوب عقلانیت هدفمند می‌توانند با ارائه آموزش‌های مهارتی، حمایت از طرح‌های اقتصادی محلی و کارآفرینی اجتماعی، نقش پایدارتری در توسعه ایفا کنند؛ بنابراین، تحول در سیاست‌های این سازمان‌ها می‌تواند آن‌ها را از ارائه خدمات مددکاری تکراری خارج و به نیرویی کارآمد در مسیر توانمندسازی بلندمدت جوامع تبدیل کند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد است که هدف آن استخراج نظریه از داده‌های تجربی درخصوص نقش سازمان‌ها و گروه‌های جهادی در توسعه روستایی است. با توجه به نبود تحقیقات متعدد در این زمینه، این روش امکان تحلیل معانی ذهنی، کنش‌های اجتماعی و تجربیات زیسته افراد را فراهم می‌آورد. جامعه آماری این پژوهش سه گروه هستند: اعضای گروه جهادی شهید مسلمی، مردم روستا، نخبگان حوزه جهادی (افراد دارای سابقه عملی در گروه‌های جهادی مختلف با سمت‌های مختلف طی چندین سال). روش تحلیل داده‌ها تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا است.

گروه جهادی شهید مسلمی بیشتر در حوزه عمرانی و صنعتی کار می‌کند و از کارمندان شرکت آذراب هپکو در اراک و بازنشستگان تشکیل شده است. این گروه بعد از سیل مرداد ۱۴۰۱ در روستای آهنگران اراک اقدام به ساخت منازل تخریب‌شده کرد. همچنین در سیل پلدختر نیز حضور و در حوزه‌های مختلف اعم از سازندگی، کمک به مردم، جابه‌جایی لوازم خانگی، مردم در سیل، شستشوی لوازم خانگی و تعمیر لوازم برقی تخریب‌شده در سیل و به صورت خاص در بناکردن اسکلت ساختمان‌ها و سازه‌های فلزی جوشکاری و کار سقف و جوشکاری مونتاژ سنگ‌زنی فعال بوده است. در عین حال در حوزه‌ای مانند جاده و راهسازی نیز خدمت‌رسانی کرده‌اند.

جدول ۱. تعداد و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در تحقیق

گروه مصاحبه‌شونده	تعداد	جنسیت	بازه سنی	تحصیلات	مشاغل عمده
مردم روستا	۳۰ نفر	۱۸ زن، ۱۲ مرد	۳۴ تا ۸۰	از بی‌سواد تا کارشناسی ارشد	خانه‌دار، کشاورز، کارگر، راننده، معلم، بازنشسته، تحت پوشش کمیته امداد
اعضای گروه جهادی شهید مسلمی	۱۰ نفر	همگی مرد	۳۴ تا ۵۰	فوق دیپلم تا کارشناسی ارشد	نیروهای جهادی با تخصص‌های فنی مختلف
نخبگان حوزه جهادی	۸ نفر	۷ مرد، ۱ زن	۲۲ تا ۵۰	کارشناسی تا کارشناسی ارشد	فعالان حوزه گروه‌های جهادی

۵. یافته‌های پژوهش

در فرایند جمع‌آوری داده‌ها خاصه مصاحبه‌ها از گروه‌های مورد مطالعه، حول محورهای زیر پرسش شده است: اهداف مشارکت در فعالیت جهادی، تعریف فقر و محرومیت، اثرگذاری اقدامات گروه‌های جهادی در توسعه روستا و کاهش فقر کلان، دفعی و موقت یا بلندمدت و مداوم بودن فعالیت این گروه‌ها، میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های جهادی، ضعف‌های گروه‌های جهادی، نسبت گروه جهادی و حاکمیت، مردمی یا دولتی بودن گروه‌های جهادی، و مدل توسعه گروه‌های جهادی.

یافته‌ها نشان می‌دهد نحوه درک سه گروه مختلف (مردم، گروه جهادی مورد مطالعه و نخبگان حوزه جهادی) با توسعه روستایی و تأثیرگذاری گروه‌های جهادی، تفاوت‌های بنیادینی دارد. در این بخش، ۹ محور اصلی پژوهش بررسی شدند تا تفاوت دیدگاه‌ها و چالش‌های گروه‌های جهادی در مسیر توسعه روشن شود. جدول ۲ براساس مقوله‌های اصلی استخراج‌شده از مصاحبه و گفتگوهای عمیق با جامعه هدف به‌دست آمده است. این جدول دیدگاه گروه‌های مورد مطالعه را براساس محورهای اصلی پژوهش مقایسه می‌کند تا امکان تحلیل فراهم شود.

جدول ۲. مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌های مردم، گروه جهادی شهید مسلمی، نخبگان حوزه جهادی

محور / گروه مورد مطالعه	مردم	گروه جهادی شهید مسلمی	نخبگان حوزه جهادی
۱. اهداف و انگیزه‌ها	ایثار و همبستگی اجتماعی، تجربه‌اندوزی در بحران و خدمت خالصانه	کنش جهادی به‌عنوان مسئولیت اجتماعی و تکلیف دینی، آرمان‌گرایی دینی	محوریت آرمان‌های انقلابی و دینی، تمرکز بر توسعه جامعه‌محور و اصلاح زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی
۲. تعریف فقر و محرومیت	ادراک فقر به‌عنوان خلأ منابع، نیازمند مداخله مستمر از بیرون	تعریف فقر به‌عنوان شکاف در امکانات اولیه زندگی و ضرورت جبران از طریق خدمات امدادی و عمرانی	تحلیل فقر در چارچوب ساختارهای بازتولید نابرابری و سیاست‌گذاری‌های کلان
۳. اثرگذاری اقدامات	اثرگذاری بر معیشت روزمره	ساخت زیربناهای اجتماعی و کالبدی، با محدودیت در اثرات طولانی‌مدت اقتصادی	الزام تغییر مدل به یک سیستم توسعه پایدار مبتنی بر خوداتکایی محلی و سرمایه اجتماعی
۴. پایداری عمل	اتکای دوره‌ای به امداد، بدون چشم‌انداز برای مشارکت فعال در هدایت تغییرات محلی	حفظ حضور مداوم اما با الگوی رفت‌وبرگشتی و در پاسخ به بحران‌های منطقه‌ای	اهمیت تغییر از اقدام مقطعی به برنامه‌ریزی راهبردی در مقیاس کلان و محلی
۵. میزان مشارکت مردم	نقش منفعلانه، انتظار برای دریافت کمک بدون برنامه‌ریزی برای خوداتکایی	هدایت مشارکت مردم در اجرا، عدم واگذاری تصمیم‌گیری به خود جوامع روستایی	تأکید بر مشارکت فعال، ایجاد حس مالکیت اجتماعی در مردم و کاهش وابستگی به بیرون
۶. ضعف‌ها	تداوم چرخه وابستگی و کاهش انگیزه‌های خوداتکایی	مواجهه با محدودیت منابع، نبود انسجام در برنامه‌های بلندمدت و مشکلات مدیریتی	ضعف تعامل میان گروه‌های جهادی و نهادهای سیاست‌گذار، عدم سازمان‌دهی شبکه‌ای در مدیریت توسعه محلی و ملی
۷. نسبت با حاکمیت	ابهام در استقلال یا وابستگی این گروه‌ها، نبود شفافیت در سازوکار عملیاتی آن‌ها	همکاری با نهادهای حاکمیتی به‌عنوان یک بازیگر غیردولتی بدون تعریف دقیق از جایگاه نهادی	نیاز به تدوین چارچوب نهادی شفاف و مشخص‌سازی نقش گروه‌های جهادی در کنار یا مستقل از دولت
۸. مردمی یا دولتی	درک متناقض از این گروه‌ها، ترکیبی از نیروهای مردمی و وابسته به نهادهای دولتی	تمایل به حفظ هویت مستقل، اما دریافت حمایت‌های لجستیکی رسمی	لزوم تفکیک جایگاه نهادی میان سازمان‌های مستقل و نیروهای غیردولتی وابسته به حکومت
۹. مدل توسعه	درک توسعه در قالب کمک‌محوری و حمایت اجتماعی بدون ایجاد زیرساخت تولیدی مستقل	ادغام توسعه کالبدی و امدادسانی، بدون پیوند به الگوهای توانمندسازی و بهره‌وری اقتصادی	ضرورت گذار به مدل توسعه مشارکتی، متکی بر ظرفیت‌های محلی، تقویت مهارت‌های اجتماعی و نوسازی اقتصادی پایدار

در این بخش به تفکیک، هر محور را از منظر سه گروه مورد مطالعه بررسی و در هر عنوان تلقی آنان را از موضوع بیان می‌کنیم. حال به تشریح مهم‌ترین مقوله‌های برآمده از پژوهش می‌پردازیم.

۱-۵. انگیزه عمل: کنش جهادی با هدف «همبستگی اجتماعی»، «تکلیف» و «آرمان انقلابی»

جامعه محلی، جهادگران را ایثارگرانی می‌داند که در بحران‌ها به کمکشان می‌آیند. از دید آنان، ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه از ویژگی‌های این گروه است و فعالیت آن‌ها در جامعه نیز ناشی از وجود همبستگی در جامعه است. یکی از روستاییان می‌گوید: «انصافاً کمک کردند و دست به دست هم دادند.» خانم ۵۸ ساله تحت پوشش کمیته امداد نیز می‌گوید: «اگر گروه جهادی نبودند، کاری انجام نمی‌شد. آن‌ها بی‌ریا کار کردند و اصلاً منت نگذاشتند.» در مقابل، گروه‌های جهادی انگیزه خود را بر پایه تکلیف دینی می‌دانند و آن را وظیفه‌ای بر دوش خود می‌دانند تا جامعه محروم روستایی را نجات دهند. عضو ۳۴ ساله گروه مورد مطالعه می‌گوید: «اولین سالی که در گروه‌های جهادی شرکت کردم، هدفم مشخص نبود، اما بعدها فهمیدم که این کار برای رضای خداست. هیچ‌گونه مزدی دریافت نکردم.» در میان نخبگان نیز آرمان‌های انقلابی پررنگ دیده می‌شود. یکی از مطلعان به همین نکته اشاره می‌کند: «مأموریت ما حرکت به سمت ظهور و تحقق عدالت اجتماعی است.» یا نخبه جهادی ۳۳ ساله می‌گوید: «هدف اول گروه‌های جهادی خودسازی و گفتمان‌سازی عمومی است.»

۲-۵. رویکرد به فقر: «نیازمحور»، «زیرساخت‌محور» و «تحول نهادی»

مردم فقر را ناشی از کمبود منابع و نیازمند ورود نیروهای بیرونی می‌دانند؛ دیدگاهی که موجب وابستگی ساختاری مناطق محروم شده است. گروه‌های جهادی، فقر را مشکلی قابل حل از طریق اقدامات خیریه‌ای و تأمین زیرساخت‌ها و نیازهای اساسی می‌دانند. مانند «بحث سبد معیشتی است، تعمیر و مرمت منازل محرومین است، کار تعمیر لوازم خانگی تعدادی از محرومین است، ساخت اسکلت، سقف و دیوارها است.» نخبگان هشدار می‌دهند که تمرکز زیاد بر کمک‌های خیریه‌ای، به وابستگی اقتصادی جوامع فقیر دامن می‌زند؛ درحالی‌که راهکار پایدار، اشتغال‌زایی و توسعه جامعه‌محور است. آقای جهادگر ۲۳ ساله می‌گوید: «مردم را نتوانستیم فعال کنیم. این برخاسته ذهنی که انتظار از دولت و کسانی که متصل به دولت و حاکمیت هستند باید برای ما کار کنند و ما نباید کاری انجام دهیم و همین‌طور دست به دست گذاشتن خود توسعه فقر است. این توسعه فقر ذهنی و اندیشه‌ای است که در آینده خطرات جدی دارد. هر اتفاقی بخواهد در یک منطقه بیفتد مردم منتظر گروه‌های جهادی یا دولت یا جاهای دیگر هستند و خود هیچ حرکت و اراده‌ای در این راستا که تعاون کنند و کار را جلو ببرند ندارند.»

۳-۵. سطوح تأثیر گذاری: «مقطعی»، «زیربنایی» و «پایدار»

مردم، موفقیت گروه‌های جهادی را براساس تأمین نیازهای معیشتی، ساخت خانه و جاده سنجیده‌اند. این رویکرد، توسعه را به فرایندی مادی و کالبدی تقلیل داده است. گروه‌های جهادی در میدان، عمدتاً بر توسعه زیرساخت‌ها تمرکز دارند، اما کمتر به اشتغال و توانمندسازی درازمدت توجه کرده‌اند. کارمند ۲۳ ساله شرکت آذراب هپکو توضیح می‌دهد: «ما بیشتر در حوزه ساخت مسکن، لوله‌کشی آب و خدمات اولیه کار کرده‌ایم، اما مهارت‌آموزی و اشتغال کمتر مورد توجه بوده است.» نخبگان معتقدند توسعه پایدار نیازمند ایجاد مشاغل پایدار، تقویت سرمایه انسانی و مشارکت جوامع محلی است. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند مدل توسعه کالبدی به مدل

اجتماع محور تغییر کند. جهادگری دیگر می‌گوید: «اگر گروه‌های جهادی و دولت دست به دست هم دهند و کار کنند، در سطح کلان تأثیرگذار است. در این شرایط تأثیر کلان ندارد.»

۴-۵. مواجهه با توسعه: «مقطعی»، «واکنشی» و «راهبردی»

روستاییان مورد مطالعه ذهنیتی حمایتی و وابسته داشته‌اند و توسعه را در ادامه کمک‌های جهادی‌ها و دولت می‌بینند. گروه‌های جهادی به استمرار فعالیت‌های خود تمایل دارند، اما به دلیل محدودیت منابع و نبود ساختارهای مالی پایدار، این امر محقق نمی‌شود. یکی از جهادگران می‌گوید: «ما در مناطقی کار کردیم که مردم حتی به مایحتاج اولیه هم دسترسی نداشتند. گروه جهادی کمک کرد، اما فقط یک راه حل مقطعی بود.» نخبگان معتقدند بدون گذار از مدل خیریه‌ای به سمت توانمندسازی، چرخه وابستگی ادامه خواهد یافت. نخبه حوزه جهادی ۲۳ می‌گوید: «توسعه در یک جغرافیا را باید به نحوی ببینید که هریک از لوکیشن‌های شهری و روستایی چه وظیفه‌ای برعهده بگیرند و کاری را انجام دهند و جلو ببرند و تقسیم کار صورت گیرد.»

۵-۵. مشارکت مردمی: «منفعل»، «کنترل شده» و «فعال»

گروه‌های هدف مورد مطالعه غالباً دریافت کنندگان منفعل و منتظر کمک تلقی می‌شوند تا عاملی مشارکت‌کننده در توسعه. آن‌ها تمایلی به حضور فعال در فرایند توسعه ندارند و منتظر حمایت بیرونی‌اند. مرد روستایی ۶۴ ساله بازنشسته می‌گوید: «ما انتظار داشتیم بعد از سیل برای اشتغال روستا فکری کنند، اما چنین اتفاقی نیفتاد.» گروه‌های جهادی در میدان نیز مدل مشخصی برای درگیرکردن مردم در فرایند توانمندسازی ندارند و اغلب بر پاسخ‌های سریع و مقطعی تمرکز می‌کنند. آقای ۳۸ ساله فعال در گروه جهادی می‌گوید: «کمتر دیده‌ام مردم منطقه بیایند. کسانی که می‌آیند یا بازنشسته هستند یا فامیل و اقوام بودند آمدند و کمکی کردند. کار ما تخصصی است مگر اینکه مردم کارهای اولیه را انجام دهند. مردم منطقه کمتر می‌توانند کمک کنند.» نخبگان تأکید دارند که بدون مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای، اقدامات جهادی نمی‌تواند پایداری لازم را داشته باشد. در نگاه مطلع جهادی نیز موضوع فعال کردن مردم در فرایند توسعه پررنگ است: «تا زمانی که مردم نسبت به آنجا نکته‌ای نداشته باشند، کاملاً رشدی اتفاق نمی‌افتد و حرکتی شکل نمی‌گیرد. اینکه مردم از این دایره حذف شوند درست نیست. باید مردم را نسبت به مسئله فعال کند.» یا مطلعی دیگر به این موضع با بیانی دیگر می‌پردازد: «حالت تصدی‌گرایانه نسبت به منطقه نداشته باشیم. آن‌ها را در اموری که مربوط به خودشان است توانمند کنید. در توانمندسازی این مردم چه کاره هستند؟ ما در این امر فقط قضیه را راهبری می‌کنیم و تسهیلگری می‌کنیم و آن کسی که باید برای مسئله خود قدم بردارد و احتیاج خود را برطرف کند خود شما هستید. از جهت مالی مردم هم پشتیبانی کنند و هر کسی مثلاً ده هزار تومان بگذارند تا فلان چیز را خریداری کنیم. از جهت اجرایی خود مردم کنار گروه‌های جهادی بیل به دست بگیرند.»

۶-۵. مدل توسعه جهادی: رفاه محور و وابستگی محور

در بین مردم، مفهوم «کمک معیشتی» (۱۸ درصد) پرتکرارترین واژه است که بیانگر انتظار آن‌ها از گروه‌های جهادی برای تأمین نیازهای مستقیم اقتصادی و روزمره آن‌ها است. این مفهوم نشانگر آن است که مدل توسعه درک شده توسط مردم، مبتنی بر دریافت خدمات و وابسته به مداخله بیرونی است. درعین حال واژه «اشتغال‌زایی» (۱۴ درصد) نیز به میزان زیادی تکرار شده است که نشان می‌دهد مردم نه تنها نیاز به کمک فوری دارند، بلکه به دنبال پایداری اقتصادی از طریق فرصت‌های شغلی هستند. این نکته بازتابی از

تمایل به تغییر الگوهای وابستگی است. با وجود این، آن‌ها همچنان انتظار دارند اشتغال نیز از طریق بازیگران امدادگر مانند گروه‌های جهادی فراهم شود، نه از طریق فرایندهای خوداتکایی محلی. وجود «وابستگی به کمک‌ها» نشانه‌ای از خطر استمرار مدل حمایتی و جایگزینی آن به جای خوداتکایی جوامع محلی است. درواقع کمک‌های موقتی سبب شده مردم به جای مشارکت فعال در فرایند توسعه، بیشتر روی تداوم حمایت‌های بیرونی حساب باز کنند.

مدل توسعه امدادی-خدماتی گروه جهادی: ارزش محور و عمل گرا

تحلیل مفاهیم پرتکرار در مصاحبه‌های اعضای گروه جهادی نشان می‌دهد که گفتمان غالب در میان آن‌ها مبتنی بر عقلانیت ارزشی است. به این معنا که ارزش‌های دینی، فداکاری اجتماعی و ماهیت جهادی بودن، مبنای اصلی انگیزه آن‌ها در فعالیت‌های توسعه‌ای است. مفاهیمی مانند «امداد فوری» (۱۲ درصد) و «خدمت به مردم» (۱۵ درصد) نشان می‌دهد مدل فعالیت گروه، بر محور کمک‌رسانی کوتاه‌مدت و مدیریت بحران‌هایی مانند بلایای طبیعی یا شرایط اضطراری فقر است. این وضعیت، بسیار نزدیک به نسل اول سازمان‌های مردم‌نهاد طبق تقسیم‌بندی کورتین (۱۹۸۷) است که در آن سازمان‌ها صرفاً نقش پاسخ‌دهنده به مشکلات فوری را ایفا می‌کنند، بدون آنکه به سیاست‌های توسعه‌ای پایدار توجه داشته باشند.

مدل توسعه پایدار نخبگان: توانمندساز و اجتماع محور

مفهوم «توسعه پایدار» (۲۰ درصد) پرتکرارترین واژه‌ای است که در بین مصاحبه‌های فعالان و متخصصان حوزه جهادی مطرح شده است. این عدد نشان‌دهنده این است که آن‌ها بر لزوم تغییر سیاست‌های گروه‌های جهادی از امداد موقت به ساختارهای پایدار اقتصادی، اجتماعی و ساختاری تأکید دارند. «مدیریت منابع» (۱۵ درصد) و «مقطعی بودن» (۱۰ درصد) دو واژه کلیدی دیگر در این گروه است که به نبود الگوهای بلندمدت مدیریتی اشاره دارد. بسیاری از فعالیت‌های جهادی، به دلیل ضعف در سازمان‌دهی منابع، یا دیگر استمرار ندارد یا پس از مدتی تأثیر خود را از دست می‌دهد. مفاهیمی مانند «توانمندسازی» (۱۴ درصد) و «لزوم اشتغال‌زایی» (۱۲ درصد) تأکید نخبگان بر نقش توانمندسازی اقتصادی را به عنوان جایگزین کمک مستقیم نشان می‌دهد. برخلاف مردم که انتظار دارند این اشتغال فراهم شود، نخبگان به دنبال آن هستند که مدل جهادی به سمت یک ساختار خوداتکا حرکت کند.

رویکردهای متفاوت به توسعه جهادی، سه نگرش کلیدی را ترسیم می‌کند که در سطوح مشارکت، مدل توسعه و ارتباط با دولت تفاوت‌های بنیادینی دارند. مردم بیشتر درماندگی اقتصادی را عامل نیاز به توسعه می‌دانند، ولی خود را در فرایند توسعه عاملی مشارکتی تلقی نمی‌کنند. گروه‌های جهادی اما کار خود را با انگیزه‌های ارزشی و مذهبی توجیه می‌کنند و بیشتر درگیر مسائل زیرساختی و امدادرسانی موقت باقی می‌مانند. در مقابل، نخبگان این فرایند را به صورت ناقص و نیازمند بازنگری در مدل کلی توسعه می‌دانند؛ به طوری که نگاه امدادی به نگاه توانمندساز اجتماعی تبدیل شود. هر سه گروه به رشد و توسعه اعتقاد دارند، اما مسیرهای پیشنهادی آن‌ها برای رسیدن به آن متفاوت است. مردم نیاز فوری به کمک را مهم‌تر از توسعه پایدار می‌بینند، گروه‌های جهادی رویکرد عملیاتی موقت دارند و نخبگان به مدل‌های بلندمدت تأکید دارند. دقیقاً در این نقطه می‌توان گفت گروه‌های جهادی نیاز دارند از نقش یک نیروی امدادی صرف فراتر بروند و به سازمان‌هایی تبدیل شوند که قادر به ایجاد تغییرات دائمی در نظام تولیدی و اقتصادی جوامع باشند.

براساس نظریه‌های توسعه مشارکتی، پایداری در توسعه زمانی تضمین می‌شود که جامعه محلی سهم مستقیمی در برنامه‌های توسعه داشته باشد؛ درحالی که در مدل کنونی، مردم بیشتر دریافت‌کنندگان منفعل بوده‌اند و نه بازیگران این میدان. تا زمانی که گروه‌های جهادی این رویکرد را تغییر ندهند، احتمال ادامه یافتن چرخه وابستگی و کم‌اثر ماندن اقدامات آن‌ها زیاد خواهد بود. تحلیل

این طبقه‌بندی نشان می‌دهد فرایند توسعه جهادی در ایران، در میان سه نگاه متفاوت میان مردم، گروه‌های جهادی و نخبگان توسعه در نوسان است. مردم توسعه را بیشتر در چارچوب دریافت خدمات و نه مشارکت در آن می‌بینند؛ درحالی‌که گروه‌های جهادی تلاش می‌کنند با مداخلات خیریه‌ای و زیرساختی، بخشی از مشکلات را حل کنند. در این میان، نخبگان تأکید دارند که توسعه واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که گروه‌های جهادی از مدل خیریه‌ای و کمک‌رسانی اضطراری به مدل‌های توسعه‌ای مبتنی بر اشتغال‌زایی، کارآفرینی و سرمایه اجتماعی گذر کنند.

۷-۵. چالش‌های پیش‌رو

شکاف‌های اجرایی: وابستگی، کمبود منابع و ناهماهنگی نهادی

روستاییان به کمک‌های جهادی و خدمات آن‌ها وابسته‌اند و احساس نیازی به فعالیت نمی‌کنند. خانم ۶۰ ساله که مسئول بسیج روستا است می‌گوید: «ما منتظر بودیم بسیجی‌ها خانه‌ها را تمیز کنند. خودمان خیلی کار نکردیم.» این امر فرهنگ استقلال اقتصادی و کارآفرینی در میان اجتماعات محلی را تضعیف کرده است. گروه جهادی مورد مطالعه مشکلات این گروه‌ها را در کمبود منابع مالی، ضعف برنامه‌ریزی بلندمدت و نبود سیستم مدیریتی منسجم می‌داند. کارمند ۴۵ ساله شرکت هپکو نیز به این موضوع اشاره می‌کند: «ما به‌صورت پیوسته در روستاها کار می‌کنیم، اما کمبود بودجه و مصالح بعضی پروژه‌ها را متوقف می‌کند.» نخبگان معتقدند نبود تعامل میان گروه‌های جهادی و نهادهای سیاست‌گذار مانع توسعه پایدار است و بر لزوم سازمان‌دهی شبکه‌ای در مدیریت توسعه محلی و ملی تأکید دارند. خانم ۲۸ ساله جهادی به همین نکته می‌پردازد: «هرچ‌ومرجی در منطقه شاهد هستید؛ چون هر گروه می‌خواهد کار خوبی در منطقه انجام دهد و با نیت خیر است، ولی سازمان‌دهی ندارند. هزار گروه یکباره وارد منطقه می‌شوند و ارزاق می‌دهند و یک منطقه اصلاً نادیده گرفته می‌شود؛ چون مکان‌یابی درست نبوده است.»

رابطه گروه‌های جهادی و حاکمیت: نامشخص، همکاری موردی، نیازمند چارچوب‌سازی

مردم از میزان استقلال یا وابستگی گروه‌های جهادی به دولت برداشت‌های متفاوتی دارند. برخی آن‌ها را مستقل و مردمی می‌دانند؛ درحالی‌که برخی دیگر معتقدند این گروه‌ها بدون حمایت حکومتی، قادر به ادامه فعالیت نیستند. گروه جهادی مورد مطالعه از یک سو بر استقلال خود تأکید دارند، اما از سوی دیگر برای تأمین منابع از حمایت حکومتی بهره می‌برند. آن‌ها بیشتر وابستگی‌شان به حاکمیت را در قالب کمک‌های موردی از جانب حاکمیت می‌بینند. آقای ۵۰ ساله عضو گروه شهید مسلمی می‌گوید: «فعالیت ما داوطلبانه و مردم‌محور است، اما بدون بسیج و سپاه امکان تأمین اعتبار، لجستیک و شناسایی مناطق نیازمند نیست.» در نگاه نخبگان جهادی، نامشخص‌بودن رابطه حاکمیت و گروه‌های مورد مطالعه در ایران و کمک‌هایی که به تلقی جهادگران موردی (ایجادشده به اقتضا شرایط امداد و خدمات و تصمیمات سیاست‌گذاران) است و دقیقاً از نگاه آن‌ها همین نقطه آسیب‌پذیر این گروه‌ها است؛ زیرا آن‌ها را از حرکت مستقل باز می‌دارد. خانم نخبه جهادی ۲۸ ساله می‌گوید: «ما واسطه بین مردم محروم و نهادهای حکومتی هستیم، اما نباید خیلی به دولت متصل شویم.»

چالش جایگاه سازمانی گروه‌های جهادی

ابهام در موقعیت نهادی گروه‌های جهادی موجب برداشت‌های متفاوتی درباره نقش آن‌ها در توسعه شده است. جامعه محلی تصویری دولتی-مردمی از این گروه‌ها دارد؛ برای مثال راننده کامیون ۴۰ ساله می‌گوید: «بسیجی‌های زیادی بدون دستمزد برای سپاه کار

می‌کردند، انگار که نیروی دولتی بودند.» ذهنیت جامعه مورد مطالعه از گروه‌های جهادی دقیق نیست و نمی‌دانند سازمان‌دهی این گروه‌ها به چه نحو است. در نگاه گروه جهادی و مطلعان جهادی نیز این ابهام دیده می‌شود. نخبه جهادی ۲۲ ساله می‌گوید: «پول از مردم جمع می‌شود، فعالیت بسیج و فعالیت‌های نیروهای انسانی که با این پول کار می‌کنند دانشجویانی هستند که از همین مردم هستند.» به تعبیر نخبگان این حوزه می‌توان گفت گروه‌های جهادی در مرز بین استقلال و وابستگی قرار دارند. آن‌ها نه کاملاً متکی به نیروهای خود و حمایت مردمی و نه کاملاً وابسته به دستگاه‌های دولتی هستند، بلکه در میانه مردم و حاکمیت قرار دارند و به گفته خودشان حلقه میانی هستند. این جایگاه از نظر نخبگان چالشی محسوب می‌شود که مانع تداوم و بهبود عملکرد این گروه‌ها است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

سازمان‌های ایمان‌محور به‌عنوان بازیگران کلیدی در توسعه بین‌المللی ظاهر شده‌اند که علاوه بر ارائه خدمات بشردوستانه و اجتماعی، در سیاست‌های عمومی، عدالت اجتماعی و توانمندسازی جوامع نیز نقش دارند. آن‌ها ترکیبی از کنش دینی و اهداف توسعه‌ای را دنبال می‌کنند. این سازمان‌ها نقش قابل‌توجهی در توسعه روستایی ایفا می‌کنند و خدماتی مانند تأمین غذا و پوشاک، توانمندسازی اقتصادی، خدمات بهداشتی، آموزشی، زیرساخت‌های فیزیکی و امکانات اجتماعی را ارائه می‌دهند. در این نقطه گروه جهادی شهید مسلمی به‌عنوان سازمان ایمان‌محور ایرانی دارای اشتراک با سام‌های جهانی مانند یافته‌های آبوه و همکاران (۲۰۱۶) است. این گروه اگرچه در امدادرسانی فوری و ساخت زیرساخت‌ها موفق بوده‌اند، اما مدل توسعه آن‌ها عمدتاً مبتنی بر کمک‌های مقطعی است که به وابستگی جوامع محلی منجر شده است. از سوی دیگر، همان‌طور که کوهرسن و بورچاردت (۲۰۲۴) نشان می‌دهند، تأثیر سازمان‌های دینی بر توسعه همیشه مثبت و مستقیم نیست، بلکه گاهی این سازمان‌ها اقداماتی انجام می‌دهند که با اهداف توسعه پایدار در تضاد است. مدل‌های توسعه ناپایدار با تمرکز بر کمک‌های مقطعی و خدمات اضطراری، اگرچه نیازهای فوری را رفع می‌کنند، اما موجب وابستگی جوامع محلی، کاهش انگیزه خودتکایی و تخریب منابع می‌شوند. مدل‌های پایدار با تأکید بر ارکان اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، بر توانمندسازی از طریق اشتغال‌زایی پایدار، مشارکت مردمی، مدیریت خردمندانه منابع و برنامه‌ریزی بلندمدت تأکید دارند. یافته‌های تحقیق نیز مؤید این نکته است؛ چرا که از دیدگاه روستاییان، توسعه جهادی به‌معنای دریافت خدمات است، نه مشارکت فعال. برخلاف اعضای گروه جهادی شهید مسلمی که با نگاهی ارزش‌محور و عمل‌گرا بر ارائه خدمات اضطراری و عمرانی تأکید دارند. نخبگان جهادی بر ضرورت گذار به مدل پایدارتر توسعه اجتماع‌محور تأکید می‌کنند که در آن توانمندسازی اقتصادی و مشارکت فعال مردم محور اصلی باشد. نظر نخبگان جهادی همسو با نظر تارپه و هوستد (۲۰۲۰) است؛ با این مضمون که بسیاری از این سازمان‌ها بدون درک صریح از چارچوب‌های نظری، مفاهیمی مانند همبستگی و توانمندسازی آن‌ها را در فعالیت‌های خود به کار می‌گیرند. براساس یافته‌ها نقد به سام‌ها مبنی بر ایجاد وابستگی اقتصادی که کمک‌های خیریه‌ای را جایگزین سرمایه‌گذاری در توانمندسازی جوامع محلی کرده (ضیایی، ۲۰۲۵) مشهود است؛ زیرا جامعه محلی همچنان وابسته به جهادگران و اقدامات آن‌ها است. همان‌طور که افتخاری و حسین‌زاده «کارکردهای سیاسی و اجتماعی اردوی جهادی» را به دو دسته سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌کنند، گروه جهادی شهید مسلمی در دسته اجتماعی قرار می‌گیرد که به دنبال رسیدگی به محرومان و ایجاد خدمات عمومی است. در نوع‌شناسی کلارک (۲۰۰۸) نیز این گروه در دسته سازمان‌های خیریه که منابع انسانی و مالی را در مسیر محرومیت‌زدایی هدایت می‌کنند، قرار می‌گیرند.

در تقسیم‌بندی کورتن (۱۹۸۷) گروه جهادی شهید مسلمی در نسل اول شامل کمک‌های اضطراری برای ارائه خدمات فوری و امدادی قرار می‌گیرد، اما نوع نگاه نخبگان جهادی به سام‌ها در این تقسیم‌بندی در نسل دوم (معطوف به توسعه محلی و خودتکایی از

طریق همکاری با جوامع) و در حال گذار به نسل سوم شامل تلاش برای اصلاح سیاست‌های کلان و تغییرات بنیادی سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی قرار می‌گیرند. گروه‌های جهادی ایران تاکنون بیشتر به عقلانیت ارزشی متکی بوده‌اند و کمتر به مدل‌های پایدار معیشتی و اشتغال‌زایی پرداخته‌اند. این در حالی است که سازمان‌های ایمان‌محور، تحت چارچوب عقلانیت هدفمند می‌توانند با ارائه آموزش‌های مهارتی، حمایت از طرح‌های اقتصادی محلی و کارآفرینی اجتماعی، نقش پایدارتری در توسعه ایفا کنند.

می‌توان گفت توسعه روستایی در ایران با چالش‌های سه‌گانه‌ای مواجه است: در سطح خرد، نگرش منفعلانه روستاییان و تمرکز گروه‌های جهادی بر خدمات کوتاه‌مدت، وابستگی ساختاری را تقویت کرده است. در سطح میانه، دوگانگی نقش گروه‌های جهادی (بین استقلال مردمی و وابستگی به نهادهای حاکمیتی) و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت، اثربخشی اقدامات را محدود ساخته است. در سطح کلان، نبود سیاست‌های یکپارچه و گفتمان توسعه دولت‌محور، مانع تحول ساختاری شده است. برای خروج از این چالش‌ها، پنج پیشنهاد ارائه می‌شود: ۱. گذار از مدل خیریه‌محور به الگوی اشتغال‌زا و توانمندساز؛ ۲. افزایش مشارکت واقعی مردم در تمام مراحل توسعه؛ ۳. تدوین چارچوب نهادی شفاف برای تعیین جایگاه گروه‌های جهادی؛ ۴. ایجاد نظام پایش و ارزیابی مستمر عملکرد؛ و ۵. توسعه همکاری‌های بین‌بخشی. این تحولات می‌تواند گروه‌های جهادی را از ارائه‌دهندگان خدمات مقطعی به تسهیلگران توسعه پایدار تبدیل کند.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «مطالعه نقش سازمان‌ها و گروه‌های ایمان‌محور بر توسعه روستایی (مورد مطالعه: گروه جهادی شهید مسلمی در روستای آهنگران اراک)»، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- سن، آمارتیا (۱۴۰۲). توسعه یعنی آزادی. ترجمه محمدسعید نوری نائینی. تهران: نشرنی.
- افتخاری، اصغر و حسین‌زاده، احمد (۱۳۹۶). کارکردهای اجتماعی انقلاب اسلامی: مطالعه اردوهای جهادی. *دولت‌پژوهی/ایران معاصر*، ۲(۲)، ۷-۲۸.
- رحیمی‌نسب، مهدی، سلیمانی، محمد و ولدان زرقانی، احسان (۱۳۹۶). تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی در راستای مقابله با فقر و محرومیت با تأکید بر اجتماع‌محوری و توانمندسازی. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۰(۷۷)، ۸۹-۱۱۲.
- ضیائی، آرام (۱۳۹۸). *پساتوسعه: نظریه، عمل، مسائل و چشم‌اندازها*. ترجمه موسی عنبری، ابوذر قاسمی‌نژاد و میلاد رستمی. تهران: علم.
- عنبری، موسی (۱۳۸۵). دولت، مشارکت و سازمان‌های غیردولتی (NGOs): بررسی جایگاه و کارکردهای بخش سوم در توسعه. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (نامه صادق)، ۳۰، ۱۷۹-۲۱۲.
- فیروزآبادی، احمد و جعفری، محسن (۱۳۹۵). مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش‌روی توسعه اجتماع‌محور روستایی (مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد). *فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی*، ۴(۷)، ۱۵۳-۱۷۳.
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۴). رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران. *رفاه اجتماعی، فقر و نابرابری در ایران*، ۵(۱۸)، ۲۲۳-۲۶۱.

قلندری اسفدن، سپیده (۱۴۰۳). فعالیت ۶۲ هزار گروه جهادی سازمان‌یافته در کشور. مشاهده در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰. از

<https://www.isna.ir/xdRQsZ>

میجلی، جیمز (۱۳۹۸). *توسعه اجتماعی/اقدام و عمل*. ترجمه سید احمد فیروزآبادی و حمیده دباغ. تهران: علمی و فرهنگی.

هینز، جفری (۱۳۹۲). دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم. ترجمه داود کیانی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Aboh, C., Eremi, E., & Bassey, S. U. (2016). Determinants of Faith-Based Organizations' Involvement in Rural Community Development: Evidence from Cross River State. *African Journal of Vocational Education (AJOVED)*, 6(2), July 2016.
- Anbari, M. (2006). Government, participation, and non-governmental organizations (NGOs): A study of the position and functions of the third sector in development. *Nameh-ye Sadegh*, 11(30). (In Persian)
- Berger, J. (2003). Religious Nongovernmental Organizations: An Exploratory Analysis. *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 14(1), 15-39.
- Bielefeld, W., & Cleveland, W. S. (2013). Defining Faith-Based Organizations and Understanding Them through Research. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 42(3), 442-467.
- Bompani, B. (2019). Religion and development: Tracing the trajectories of an evolving sub-discipline. *Progress in Development Studies*, 19(3), 171-185. <https://doi.org/10.1177/1464993419829598>
- Chowdhury, S. R., Islam, M. R., & Wahab, H. A. (2020). Challenges of faith-based NGO intervention in community development: A case study in Bangladesh. *Global Social Welfare*, 7, 301-313. <https://doi.org/10.1007/s40609-020-00176-2>
- Clarke, G., & Jennings, M. (Eds.). (2008). *Development, civil society and faith-based organizations*. Palgrave Macmillan UK. https://doi.org/10.1057/9780230371262_2
- Davis, C., Jegede, A., Leurs, R., Sunmola, A., & Ukiwo, U. (2011). *Comparing religious and secular NGOs in Nigeria*. University of Birmingham. <http://epapers.bham.ac.uk/1597/>
- Deneulin, S. (2021). Religion and development: Integral ecology and the Catholic Church Amazon Synod. *Third World Quarterly*, 42(9), 1941-1957. <https://doi.org/10.1080/01436597.2021.1948324>
- Deneulin, S., & Rakodi, C. (2011). Religion and development: Subjecting religious myths, secular assumptions to scrutiny. *World Development*, 39(8), 1243-1253. <http://dx.doi.org/10.2307/41723127>
- Eftekhari, A., & Hosseinzadeh, A. (2017). The social functions of the Islamic Revolution: A study of Jihadi camps. *Journal of Contemporary Iranian State Studies*, 2(2), 7-28. (In Persian)
- Firouzabadi, A., & Jafari, M. (2016). A study of the capabilities of local faith-based NGOs in solving challenges facing community-based rural development: The case of the Ebad Jihadi group of clerics. *Iranian Islamic Model of Progress*, 4(7), 153-173. (In Persian)
- Haynes, J. (2013). *Religion, globalization, and political culture in the Third World*. Translated by: D. Kiani. Tehran: Institute for Strategic Studies. (In Persian)
- Haynes, J. (2014). *Faith-based organizations at the United Nations*. Palgrave Macmillan US. http://dx.doi.org/10.1057/9781137404510_3
- Hefferan, T., Adkins, J., & Occhipinti, L. (2009). *Faith-based Organizations, Neoliberalism, and Development: An Introduction*.
- James, R. (2009). What is distinctive about FBOs? How European FBOs Define and Operationalise Their Faith. *Praxis Paper* 22, INTRAC.
- Koehrsen, J., & Burchardt, M. (2024). Religion and Development: Alternative Visions, Credibility, and Networks as Religious Assets for Sustainable Development? *Progress in Development Studies*, 24(2), 129-146. <https://doi.org/10.1177/14649934231206302>
- Marshall, K., & Van Saanen, M. (2007). *Development and Faith: Where Mind, Heart, and Soul Work Together*. The World Bank.
- Midgley, J. (2019). *Social development in action and practice*. Translated by: S. A. Firouzabadi & H. Dabbagh. Tehran: Elmi-Farhangi Publications. (In Persian)
- Qalandari Asfadan, S. (2024). Activity of 62,000 organized Jihadi groups in the country. Iranian Students' News Agency (ISNA). Retrieved from: <https://www.isna.ir/xdRQsZ> (In Persian)
- Qaneirad, M. A. (2005). A social development approach to poverty alleviation programs in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 5(18), 223-261. (In Persian)

- Rahimi Nassab, M., Soleimani, M., & Valadan Zarqani, E. (2017). Explaining the optimal model of Jihadi movements to combat poverty and deprivation with an emphasis on community-centeredness and empowerment. *Basij Strategic Studies*, 20(77), 89-112. (In Persian)
- Sen, A. (2023). *Development as freedom*. Translated by: M. S. Nouri Naeini. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Tarpeh, S., & Hustedde, R. (2020). How faith-based organizations perceive their role in community development: An exploratory study. *Community Development*, 52(1), 61–76. <https://doi.org/10.1080/15575330.2020.1831565>
- Ziai, A. (2025). Theorizing postdevelopment. *European Journal of Development Research*. <https://doi.org/10.1057/s41287-024-00682-5>
- Ziyadeh, A. (2019). *Post-development: Theory, practice, issues, and prospects*. Translated by: M. Anbari, A. Ghaseminejad, & M. Rostami. Tehran: Elm Publishing. (In Persian)